سرآمد اقتصاد

پنج‌شنبه-۴دی ۱۴۰۴-سال یازدهم-شماره ۲۳۸۴

پولی مالی

اعلام آمادگی ۵ بانک بزرگ برای مشارکت در راه‌اندازی بازار اسکناس ارز

در نشست مشترک بانک‌های ملی، ملت، تجارت، سپه و صادرات با مدیران بانک مرکزی و مرکز مبادله ارز و طلای ایران، مدیران عامل این بانک‌ها آمادگی کامل شبکه شعب خود را برای اجرای طرح بازار اسکناس ارز در مرکز مبادله اعلام کردند.

به گزارش اقتصادسرآمد، در راستای اجرای ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی و مصوبه هیئت عالی بانک مرکزی مبنی بر ایجاد نماد اسکناس ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، روز سه شنبه دوم دی ماه ۱۴۰۴ نشستی با حضور مدیران ارشد پنج بانک کشور برگزار شد.

بنا بر اعلام مرکز مبادله ایران، این نشست که با هدف بررسی الزامات ایجاد بازار اسکناس ارز و آماده سازی شبکه گسترده خرید و فروش اسکناس و تأمین ارز مورد نیاز مردم تشکیل شده بود با سخنرانی مدیران ارشد بانک های بزرگ کشور آغاز شد.

در این نشست که مدیران عامل بانک‌های ملی، ملت، تجارت و سپه و همچنین معاونان بانک صادرات، به همراه مدیران بانک مرکزی و مرکز مبادله ارز و طلای ایران حضور داشتند، آخرین وضعیت ایجاد بازار اسکناس ارز در مرکز مبادله، فراهم‌سازی امکان خرید و فروش ارز مسافرتی و تأمین ارز مورد نیاز گردشگران خارجی و همچنین موضوع تکمیل اکوسیستم معاملات ارز با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار در قالب صندوق درآمد ثابت ارزی و صندوق پروژه ارزی مورد بررسی قرار گرفت.

«ابوالفضل نجارزاده» مدیرعامل بانک ملی در این نشست با اعلام آمادگی کامل سامانه‌های این بانک برای اجرای طرح، اظهارداشت: بانک ملی سال‌هاست در حوزه معاملات اسکناس ارز و همچنین ارز مسافرتی فعال است و لذا آمادگی لازم برای اجرایی شدن این طرح در بانک ملی وجود دارد.

«هادی اخلاقی» مدیرعامل بانک تجارت نیز در این نشست با اشاره به تشکیل کارگروه‌های تخصصی در این بانک و حجم بالای فعالیت‌های ارزی بانک تجارت، آمادگی این بانک را برای مشارکت فعال در اجرای طرح ایجاد بازار اسکناس ارز در مرکز مبادله ایران اعلام کرد.

در ادامه «فرشید فرخ‌نژاد» مدیرعامل بانک ملت، با تأکید بر تراز ارزی مناسب و فعالیت مستمر این بانک در حوزه ارز مسافرتی، از آمادگی بانک ملت برای کمک به تشکیل سریع بازار نماد اسکناس ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران خبر داد.

«آیت ابراهیمی» مدیرعامل بانک سپه نیز با اشاره به گستردگی شبکه شعب بانک سپه و منابع ارزی مناسب این بانک، آمادگی کامل بانک سپه برای اجرای این طرح را اعلام کرد.

عروس و دامادها هم به زور حلقه می‌خرند

نایب‌رئیس سابق اتحادیه طلا و جواهر با اشاره به کاهش محسوس تقاضا در بازار طلا و سکه می گوید: افت حباب قیمتی در روزهای اخیر، نشانه روشنی از عقب‌نشینی خریداران از این بازار است؛ بازاری که حالا دیگر حتی برای سرمایه‌گذاری هم جذابیتی برای مردم ندارد.

به گزارش اقتصادسرآمد،محمد کشتی‌آرای، درباره وضعیت فعلی تقاضا در بازار طلا به ایسنا اظهار کرد: کاهش حباب طلا و سکه در شرایطی اتفاق افتاده که عملاً خرید و فروش در بازار به حداقل رسیده و این موضوع به‌وضوح نشان می‌دهد تقاضای مؤثری برای طلا و سکه وجود ندارد.

او با بیان اینکه خریدهای تفننی و سرمایه‌ای تقریباً از بازار حذف شده است، افزود: این روزها اگر معامله‌ای هم انجام می‌شود، بیشتر از روی اجبار است. در حال حاضر تنها گروهی که هنوز ناچار به خرید طلا هستند، عروس و دامادها هستند که آن هم به حداقل ممکن رسیده و معمولاً فقط به خرید حلقه ازدواج بسنده می‌کنند.

کشتی‌آرای با اشاره به جهش قیمت‌ها تصریح کرد: وقتی قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به کانال ۱۴ میلیون تومان رسیده و سکه نیز حوالی ۱۴۷ میلیون تومان معامله می‌شود، طبیعی است که بخش زیادی از مردم عملاً از بازار حذف شوند. سکه با این قیمت‌ها دیگر کالایی نیست که عموم مردم توان خرید آن را داشته باشند.

«سرآمد» از ادامه چالش‌های احداث ابرپروژه ملی جنوب کشور گزارش می‌دهد؛

پل خلیج‌فارس همچنان پشت سد تامین مالی

ابهام در زمان اتصال جزیره قشم با سرزمین اصلی

گروه جزایر- زهرا عسکری - احداث و تکمیل پل خلیج‌فارس به‌عنوان یکی از چهاربخش اصلی ابرپروژه ملی «شبکه جامع ارتباطی خلیج‌فارس» و ارتباط‌دهنده جزیره قشم با سرزمین اصلی، سال‌هاست که تبدیل به یکی از مطالبات اصلی ساکنان بزرگ‌ترین جزیره ایرانی خلیج‌فارس شده است. کلنگ آغاز به‌کار و عملیات احداث این پروژه بزرگ ملی در روزهای پایانی ۱۳۸۹ توسط محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت به زمین خورده است، اما بررسی آخرین وضعیت پیشرفت فیزیکی این پروژه از سرعت بسیار کند آن حکایت دارد تا جایی که براساس برخی اظهار نظرهای صورت‌گرفته، این پروژه نیمه‌تمام تبدیل به نمادی از ناکارآمدی در منطقه جنوب کشور شده است.

به گزارش «اقتصاد سرآمد»، هرچند طی سال‌های گذشته مسئولان دولت‌های سیزدهم و چهاردهم بر اجرا و تکمیل این پروژه تاکید کرده‌اند، اما آنطور که از صحبت‌های مسئولان سازمان منطقه آزاد قشم و همچنین قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) به‌عنوان پیمانکار اصلی این پروژه برمی‌آید، این پروژه استراتژیک همچنان پشت سد تامین منابع مالی مورد نیاز مانده و بخش‌های دولتی همکاری کافی را در این حوزه نداشته است. این درحالی است که به باور کارشناسان، در صورت تکمیل پل خلیج‌فارس، جزیره قشم به نقطه‌ای کلیدی در زنجیره اتصال آسیا، خلیج‌فارس و اروپا بدل خواهد شد و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های کلان حمل‌ونقل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش‌آفرینی کند و توازن جدیدی را در نقشه ژئوپلیتیکی ترانزیت بین‌المللی رقم بزند.

موضوع اتصال جزیره قشم به سرزمین اصلی اولین‌بار در سال ۱۳۵۱ توسط دولت وقت مطرح شد و قرار بود یک پل سنگی ۲کیلومتری از لافت تا بندر پهل احداث شود، اما تا سال ۱۳۵۴ که استاندار وقت هرمزگان طرح بندر آزاد قشم و اتصال جزیره به سرزمین اصلی را مطرح کرد، دیگر خبری از احداث این پل مخابره نشد و بعد از آن هم موضوع مجدداً به فراموشی سپرده شد. بعد از انقلاب و پایان جنگ در سال ۱۳۶۹ قشم به‌عنوان اولین منطقه آزاد تجاری و صنعتی کشور به تصویب رسید، اما باز هم احداث پل خلیج‌فارس همچنان در حد وعده‌وعید باقی ماند. ساخت پل حدود ۲,۴کیلومتری خلیج‌فارس از اواخر دهه ۸۰ آغاز شد و در دولت‌های گذشته با رویکردهای مختلفی روبه‌رو بوده است. بااین‌حال، هرچند با آغاز دولت چهاردهم به نظر می‌رسید که سال‌ها بلاتکلیفی برای احداث پل خلیج‌فارس به پایان رسیده و عملیات اجرایی این پروژه ملی در ماه‌های گذشته همچنان در حال انجام است، اما هنوز هم گزارش‌های مختلف حاکی از شرایط نامشخص برای آینده این پروژه کلان عمرانی و اقتصادی کشور است.

ابرپروژه ملی طرح جامع ارتباطی خلیج‌فارس در جنوب ایران از چهاربخش مجزا تشکیل شده است که در کنار یکدیگر توانایی ایجاد رونق صنعتی، تجاری و گردشگری جزیره قشم را دارد. توسعه بندر کاوه جزیره قشم، احداث ۹۲کیلومتر بزرگراه از بندر کاوه و امتداد به خط سراسری از طریق پل خلیج‌فارس، احداث ۸۶کیلومتر راه‌آهن از بندر کاوه و امتداد به خط سراسری از طریق پل خلیج‌فارس، احداث پل خلیج‌فارس به‌منظور تکمیل ارکان طرح روی دریا، بخش‌های مختلف طرح جامع ارتباطی خلیج‌فارس را تشکیل می‌دهد.

> فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا: ساخت پروژه پل خلیج‌فارس دوباره آغاز شده است و در بخشی از تامین مالی که هنوز انجام نشده، سعی می‌کنیم طرف‌های مقابل را به همکاری ترغیب کنیم تا این پروژه راهبردی به اجرا برسد. همه تجهیزات برای ساخت این پروژه آماده است و تنها مانع همان تامین مالی بوده که در این‌باره هم توافقاتی انجام شده است

سد تامین مالی مقابل احداث پل خلیج‌فارس

آخرین اظهارات مطرح‌شده درباره موانع موجود در سر راه احداث پل خلیج‌فارس مربوط به صحبت‌های اخیر سردار عبدالرضا عابد، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا در گفت‌وگو با «ایلنا»ست. او در این گفت‌وگو در پاسخ به این سوال که علت تعلل در اجرای پروژه پل خلیج‌فارس در قشم که پایان سال ۱۳۸۹ کلنگ‌زنی شده، گفت: ساخت پروژه پل خلیج‌فارس دوباره آغاز شده است و در بخشی از تامین مالی که هنوز انجام نشده، سعی می‌کنیم طرف‌های مقابل را به همکاری ترغیب کنیم تا این پروژه راهبردی به اجرا برسد. فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا همچنین بیان کرد: در دوهفته گذشته از این پروژه بازدیدی انجام دادیم و همه تجهیزات برای ساخت این پروژه آماده است و تنها مانع همان تامین مالی بوده که در این‌باره هم توافقاتی انجام شده است.

پیش از این نیز عادل پیغامی، رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در تشریح آخرین وضعیت پل خلیج‌فارس، از تداوم اجرای این پروژه ملی با وجود محدودیت‌های مالی خبر داد و تأکید کرد: پل خلیج‌فارس پس از سال‌ها توقف، امروز فعال است و مراحل اجرایی آن ادامه دارد. وی با بیان اینکه پروژه اکنون فعال است، گفت: تکمیل چهار پایه از مجموع هشت پایه پل، بیش از یک‌هزار میلیارد تومان(یک‌همت) اعتبار نیاز دارد و این حجم هزینه از توان یک مجموعه به‌تنهایی خارج است. «پیغامی» همچنین تاکید کرد: منطقه آزاد قشم به‌تنهایی نمی‌تواند بار مالی پروژه ملی پل خلیج‌فارس را به دوش بکشد، چون نمی‌توان سایر زیرساخت‌ها مثل جاده، آب، بهداشت، آموزش و پرورش را تعطیل کرد و تحقق این طرح راهبردی مستلزم ورود جدی دولت و تخصیص اعتبارات ملی در کنار توان منطقه آزاد است.

مدیرعامل منطقه آزاد پیش از این نیز گفته بود: پروژه خلیج‌فارس در دست اجراست البته متاسفانه با سرعت کم و به‌دلیل مسائل تامین مالی و مشکلاتی که سرعت اجرای پروژه پایین است. «پیغامی» درباره تامین مالی خارجی این پروژه تاکید کرد: برای تامین مالی خارجی این پروژه از چندکشور، در سال‌های گذشته به‌ویژه در دو الی سه‌سال اخیر که پروژه فعال بود، تقاضاهایی مطرح شد. معمولا دو اشکال عمده باعث می‌شود که تامین مالی خارجی رقم نخورد؛ اول اینکه اغلب آن‌ها از مسیر تهاتر نفت ادعای سرمایه‌گذاری می‌کنند یعنی به نوعی سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شود و در واقع تهاتر است، اما برای این پروژه امکان تهاتر نفت را نداریم. از طرف دیگر، روزهای پایانی سال گذشته بود که رضا مسرور، دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور در بازدید از محل ابرپروژه ملی احداث پل خلیج‌فارس به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی شبکه ملی خلیج‌فارس، از نصب نخستین کیسون این پل در خردادماه ۱۴۰۴ خبر داد. حالا مدت زمان زیادی از وعده داده‌شده برای اجرایی‌شدن این قسمت از طرح عمرانی پل خلیج‌فارس گذشته، اما در خبرها نشانی از نصب کیسون پل خلیج‌فارس دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی مدیرعامل منطقه آزاد قشم برخلاف وعده‌های از پیش مطرح‌شده گفته است: در حال حاضر یکی از پایه‌های پل به ارتفاع ۲۴متر اجرا شده و چندپایه دیگر نیز در دست تکمیل است که با اتمام آن‌ها، بخش‌های جعبه‌ای پایه‌ها برای استقرار در موقعیت نهایی آماده و نخستین سازه‌های پل از زیر آب در آینده نمایان خواهد شد.

جایگاه استراتژیک پل خلیج‌فارس

پل استراتژیک خلیج‌فارس نه‌تنها یک اتصال فیزیکی، بلکه یک پل استراتژیک میان ظرفیت‌های مغفول‌مانده جنوب ایران با فرصت‌های جهانی ترانزیت و گردشگری است. اجرای این پل، توسعه بنادر، حمل‌ونقل ترکیبی، تجارت بین‌المللی و زندگی مردم قشم را به‌طور مستقیم متحول خواهد کرد. اگرچه پروژه سال‌هاست روی زمین مانده، اما نشانه‌های جدیدی از اراده در حال شکل‌گیری است و با حمایت جدی دولت و بخش خصوصی، می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ای نه‌چندان دور، صدای عبور قطار و خودرو از این پل نمادین، نوای توسعه در خلیج همیشه فارس باشد.

پل خلیج‌فارس در نقطه‌ای قرار دارد که می‌تواند به‌عنوان یکی از گلوگاه‌های مهم اتصال به کریدورهای بین‌المللی ایفای نقش کند. این پل نه‌تنها مسیر ارتباطی مستقیم بین جزیره قشم و سرزمین اصلی را برقرار می‌کند، بلکه با ایجاد یک مسیر زمینی و ریلی پایدار، قشم را وارد زنجیره‌های ترانزیتی فرامنطقه‌ای خواهد کرد. براساس گزارش رسانه‌ها، برخی از مهم‌ترین کریدورهایی که این پل می‌تواند به آن‌ها متصل شود، عبارتند از: کریدور شمال-جنوب که هند را از طریق بندرعباس، قفقاز و روسیه به اروپا متصل می‌کند و قشم می‌تواند به‌عنوان پایانه کمکی و لجستیکی در جنوب ایفای نقش کند. همچنین کریدور چین-قزاقستان-ایران(شرق به غرب) که بخشی از پروژه کمربند و جاده چین است و ایران را به‌عنوان پل زمینی میان شرق و غرب جهان معرفی می‌کند. کریدور خلیج‌فارس به دریای سیاه که از طریق ایران، ارمنستان و گرجستان به اروپا می‌رسد و نقش کلیدی در دور زدن مسیرهای پرریسک و شلوغ دارد.

عضو اتاق بازرگانی ایران:

تشدید مالیات در شرایط رکود تورمی تصمیم درستی نیست

عضو اتاق بازرگانی ایران، با اشاره به افزایش ۲ درصدی مالیات بر ارزش افزوده در بودجه سال آینده، تأکید کرد که اجرای چنین سیاست‌های مالیاتی در شرایط رکود تورمی نه تنها کمکی به اقتصاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند فشار بر مصرف‌کننده و تولید را تشدید کند و تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت را با تردید مواجه سازد.

به گزارش اقتصادسرآمد، مجیدرضا حریری درباره سیاست‌های مالیاتی پیش‌بینی‌شده در بودجه، با اشاره به افزایش ۲ درصدی مالیات بر ارزش افزوده به ایرنا اظهار کرد: به طور کلی، مالیات بر مصرف و مالیات بر ارزش افزوده، اگر درست اجرا شود، یکی از عادلانه ترین انواع مالیات است؛ چرا که در نهایت مصرف‌کننده نهایی آن را پرداخت می‌کند.

وی افزود: مشروط به اینکه زنجیره پرداخت و دریافت مالیات شفاف، قابل اعتماد و مورد وثوق باشد و همه بدانند این ۱۲ درصد را دقیقاً چه کسی می‌پردازد، مالیات بر ارزش افزوده ذاتا یک حرکت مترقی محسوب می‌شود و تمرکز دولت بر مالیات مصرف می‌تواند سیاست درستی باشد.

این فعال اقتصادی با طرح تردید نسبت به زمان اجرای چنین تصمیمی گفت: سؤال اصلی اینجاست که آیا در شرایط فعلی اقتصاد کشور که با رکود تورمی مواجه هستیم، تشدید سیاست‌های مالیاتی کار درستی است یا نه. در اغلب کشورهای دنیا، زمانی که اقتصاد وارد رکود می‌شود، دولت‌ها به سمت معافیت‌های مالیاتی و تشویق مصرف حرکت می‌کنند. حریری ادامه داد: اما ما در یک وضعیت آچمز قرار داریم؛ اگر مصرف را تشویق کنیم، به تورم دامن زده‌ایم و اگر با ابزار مالیاتی مصرف را محدود کنیم، رکود عمیق‌تر می‌شود. پیشنهاد شخصی من این است که در مقطع فعلی، تصمیمات کلیدی و بزرگ اتخاذ نشود و دولت صرفا روال موجود را مدیریت کند.

وی با اشاره به افزایش حدود ۶۵ درصدی پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی در بودجه گفت: سؤال جدی این است که آیا اصلاً آمار شفافی وجود دارد که نشان دهد چه میزان از مالیات پیش‌بینی‌شده سال جاری محقق شده است؟ تا یکی دو ماه قبل، گزارش‌ها حاکی از آن بود که سازمان امور مالیاتی در تحقق اهداف خود چندان موفق نبوده است.او افزود: این تصور که چون امسال عدد ۱۰۰ محقق شده، سال آینده می‌توان به‌راحتی عدد ۱۶۵ را محقق کرد، یک استدلال ساده‌انگارانه است. تجربه نشان داده که معمولا مالیات‌های نوشته شده در بودجه به‌طور کامل تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه سازمان امور مالیاتی شفاف‌سازی دقیقی در این زمینه ارائه دهد.

حریری با اشاره به شرایط تورمی کشور گفت: در اقتصادی که رشد نقدینگی بالای ۴۰ درصد و تورم بالای ۵۰ درصد دارد، طبیعی است که درآمد اسمی مالیات نیز افزایش پیدا کند. اما باید توجه داشت که این افزایش اسمی به معنای افزایش واقعی درآمد دولت نیست.

وی توضیح داد: اگر سازمان امور مالیاتی سال گذشته ۱۰۰ واحد مالیات گرفته و امسال ۱۵۰ واحد بگیرد، وقتی این ارقام را به قیمت ثابت یا به دلار تبدیل می‌کنیم، ممکن است عملا ارزش واقعی دریافتی کاهش یافته باشد. اینجاست که باید بین افزایش اسمی و افزایش واقعی تمایز قائل شد.

عضو اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: بخش عمده مالیات کشور از چند صد شرکت بزرگ، عمدتا شرکت‌های صادراتی و شبه دولتی، دریافت می‌شود. وقتی درآمد دلاری این شرکت‌ها با افزایش نرخ ارز دو برابر می‌شود، طبیعی است که مالیات ریالی پرداختی آن‌ها هم افزایش پیدا کند، بدون اینکه فشار جدیدی از نظر نسبت مالیاتی اعمال شده باشد.

بک اقتصاددان مطرح کرد:

انتظار مهار تورم و ارز صرفا از بانک مرکزی واقع‌بینانه نیست

یک اقتصاددان گفت: بخش قابل توجهی از تورم و نوسانات ارزی ناشی از عوامل بیرونی و متغیرهایی است که خارج از حوزه سیاستگذاری داخلی قرار دارد.

به گزارش اقتصادسرآمد، مرتضی افقه با اشاره به هشدارهای اخیر درباره جهش تورم و احتمال دلاریزه‌شدن اقتصاد به اینا اظهار کرد: در شرایط کنونی طرح سناریوی دلاریزه‌شدن اقتصاد ایران بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت‌های جاری باشد، نگاهی بدبینانه است هرچند در صورت تداوم تنش‌های خارجی و محدودیت‌های بین‌المللی، اقتصاد کشور در معرض ریسک‌های جدی‌تری قرار خواهد گرفت.

وی ادامه داد: در حال حاضر، تورم بالا قابل پیش‌بینی است و نشانه‌ای از مهار پایدار آن در کوتاه‌مدت به سختی دیده می‌شود، اما باید میان مفاهیم مختلفی که ذیل عنوان دلاریزه‌شدن مطرح می‌شود، تفکیک قائل شد. دلاریزه‌شدن به معنای آن است که مردم به‌طور گسترده ریال را کنار بگذارند، دارایی‌های خود را به ارز خارجی تبدیل کنند و مبادلات روزمره نیز با دلار یا ارزهای خارجی انجام شود؛ وضعیتی که در اقتصاد ایران فعلا شواهد روشنی از آن مشاهده نمی‌شود. افقه در رابطه با استفاده مردم از ارزهای خارجی تصریح کرد: بخشی از اقتصاد ایران سال‌هاست که به‌طور غیرمستقیم با دلار محاسبه می‌شود؛ برای مثال در قیمت‌گذاری برخی نهاده‌ها، خریدهای خارجی یا معاملات مرتبط با پالایشگاه‌ها و بخش انرژی، اما این موضوع با دلاریزه‌شدن کامل اقتصاد متفاوت است. اصرار برخی تحلیلگران مبنی بر اینکه هرگونه قیمت‌گذاری بر مبنای نرخ‌های جهانی به معنای دلاریزه‌شدن است، برداشت دقیقی از مفهوم اقتصادی این پدیده نیست.

این اقتصاددان با اشاره به نقش بانک مرکزی در مهار تورم و مدیریت نرخ ارز گفت: کنترل تورم و ثبات ارزی از وظایف ذاتی بانک مرکزی است، اما تحقق این اهداف مشروط به در اختیار داشتن ابزارهای لازم است. در شرایط کنونی بخش قابل توجهی از تورم و نوسانات ارزی ناشی از عوامل بیرونی و متغیرهایی است که خارج از حوزه سیاستگذاری داخلی قرار دارد.وی تصریح کرد: تحریم‌های مستمر، تداوم تنش‌های سیاسی با آمریکا و اروپا، فضای تهدیدات امنیتی و آثار ناشی از جنگ‌های منطقه‌ای، متغیرهایی هستند که مستقیما بر انتظارات تورمی و بازار ارز اثر می‌گذارند. این عوامل با اجرای سیاست‌های پولی و ارزی منسجم هم می‌توانند اثرگذاری تصمیمات داخلی را خنثی کنند.افقه تصریح کرد: با ابزارهایی که بانک مرکزی در حال حاضر در اختیار دارد، میزان اثرگذاری بر تورم و نرخ ارز محدود است. در بهترین حالت، این ابزارها می‌توانند حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد در کنترل شرایط نقش داشته باشند که آن هم اثر موقتی دارد چراکه به محض شکل‌گیری یک تهدید جدید خارجی یا حتی اظهارنظر مثبت یا منفی از سوی بازیگران اصلی سیاسی، بخش قابل توجهی از آثار سیاستگذاری‌های داخلی از بین می‌رود. این اقتصاددان با تاکید بر اینکه مهار پایدار تورم نیازمند اصلاحاتی فراتر از سیاست‌های پولی است، گفت: اگر هدف، کنترل تورم است در وهله اول باید به کاهش تنش‌های خارجی، حل‌وفصل مسائل مربوط به تحریم‌ها و ایجاد ثبات در روابط بین‌المللی پرداخت. بدون حل این مسائل، انتظار مهار تورم صرفا از بانک مرکزی، انتظاری غیرواقع‌بینانه است.وی در ادامه با مقایسه وضعیت ایران با کشورهایی که تجربه دلاریزه‌شدن را پشت سر گذاشته‌اند، تاکید کرد: در اغلب کشورهایی که به سمت دلاریزه‌شدن حرکت کرده‌اند، اقتصاد در آستانه فروپاشی کامل قرار داشته یا با ابرتورم‌های بسیار بالا مواجه بوده است. اقتصاد ایران، با وجود تمام فشارها و ریسک‌ها، چنین شرایطی را ندارد و به آن نقطه نرسیده است.